

«متن کامل وصیت‌نامه الهی سیاسی سردار شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی با عنوان میثاق‌نامه مکتب حاج قاسم»

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدینید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم نمی‌ماند. اگر دشمن، این حرم را ازین برو، حرمی باقی نمی‌ماند.

شهادت میدهم به اصول دین

اشهد أن لا إله إلا الله واشهد أن محمداً رسول الله واشهد أن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و اولاده المعصومین اثنی عشر ائمتنا و معصومیننا حجج الله.

شهادت می‌دهم که قیامت حق است. قرآن حق است. بهشت و جهنم حق است. مژال و جواب حق است. معاد، عدل، امامت، نبوت حق است.

خدایا! تو را سپاس می‌گویم بخاطر نعمت‌های

خداوند! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان دکن یکی از برجه‌ترین اولیاءت را که قرین و قریب معصومین است، عبدصاحت خمینی کبیر را دکن کنم و سرباز رکاب او شوم. اگر توفیق صحابه رسول اعظمت محمد مصطفی را داشتیم و اگر بی‌بهره بودم از دوره مظلومیت علی بن ابی طالب و فرزندان معصوم و مظلوش، مراد جهان را بی‌قرار دادی که آنها در جهان میر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند.

خداوند! تو را سپاس که پس از عبدصاحت خمینی عزیز، مراد میر عبد صالح دیکری که مظلومیتش اعظم است برصاحتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تبع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خانه‌ای عزیز که جانم فدای جان او باد قرار دادی.

پروردگارا! تو را سپاس که مهربانترین بندگانت در هم آمیختی

و دک بوسه بر گونه های بهشتی آنان و استنشام بوی عطر الهی آنان را یعنی مجاهدین و شهدای این راه به من ارزانی داشتی.

خداوند! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، پیشانی سگر شرم بر آساست سیام که مراد میرفاطمه اطهر و فرزندانش در مذبح تشیع عطر حقیقی اسلام قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابیطالب و فاطمه اطهر بهره مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت یات است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بیقراری که در دون خود بالاترین قرارها را دارد، غمی که آرامش و معنویت دارد.

خداوند! تو را سپاس که مرا ز پدر و مادر فقیر، امامتین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پایی بهره مند نمودی. از تو عاجزان میخواستیم آنها را در بهشتت و با اولیایت قرین کنی و مرا در عالم آخرت از دک محضرتان بهره مند فرما.

خدایا! به عنو تو امید دارم

ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی همتا! دستم خالی است و کوله پشتی خرم خالی، من بدون برک و توشه ای به امید ضیافت عنو و کرم تومی آیم. من توشه ای برنگرفته ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برک؟!]

سارق، چارقم پر است از امید به تو و فضل و کرم تو؛ همراه خود دو چشم بسته آورده ام که ثروت آن دکنار همه نمانی؛ یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، تیم، دفاع از محصور مظلوم در چنگ ظالم.

خداوند! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه چیزی دارند و نه قدرت دفاع دارند، اما دوستانم چیزی را ذخیره کرده ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت تو است. وقتی آنها را به سمت بلند کردم، وقتی آنها را برایت بر زمین و زانو گذاختم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ اینها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی. خداوند! پایم سست است. رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنم عبور میکند، ندارد.

من در پل عادی هم پایم می لرزد، وای بر من و صراط تو که از مونا ز کتر است و از شمیر بند بهتر؛ اما یک امیدی به من نوید میدهد که ممکن است نلزم، ممکن است نجات پیدا کنم.  
من باین پاها در حرمت پاک کرده ام و دور خاندات چرخیده ام و در حرم اولیاءت در بین احرین حسین و عباست آنها را بر بنه دوادم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در  
دفاع از دینت دیدم، جنیدم، خزیدم، کریتیم، خندیدم و خندادم و کریتیم و کریدم؛ اقدام بلندشدم. امید دارم آن جنیدن ها و خزیدن ها و جرمت آن حریم ها، آنها را بخشش.  
خداوند! سر من، عقل من، لب من، شامه من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارح در همین امید به سر می برند؛ یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه پذیر؛ آسپخان پذیر که شایسته  
دیدارت شوم. جز دیدارت تو را نمی خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله!

خدایا! از کاروان دوستانم جانمده ام

خداوند ای عزیز! من سالها است از کاروانی به جانمده ام و پیوسته کسانی را به سوی آن روانه میکنم، اما خود جانمده ام، اما تو خود میدانی هرگز نتوانستم آنها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها،  
نه در ذهنم بلکه در قلمم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند.

عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن است کسی که چهل سال بردت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم  
سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مراد فراق خود بسوزان و بمیران.

عزیزم! من از بیقراری و رنجانی جانمده ام، سربیه بیابانها گذارده ام؛ من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان میروم. کریم، حبیب، به کرمت دل  
بستام، تو خود میدانی دوست دارم. خوب میدانی جز تو را نمیخواهم. مرابه خودت متصل کن.

خدایا وحشت همی وجودم را فرا گرفته است. من قاده به مهار نفس خود نیستم، روایم نکن. مرابه جرمت کسانی که حرمشان را بر خودت واجب کرده ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آنها  
را خدشه دار میکنی، مرابه قافله ای که به سوت آمدند، متصل کن.

معبود من، عشق من و معشوق من، دوست دارم. باره تو را دیدم و حس کردم، نمیتوانم از تو جدا باشم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آسپخان که شایسته تو باشم.

## خطاب به برادران و خواهران مجاهد ...

خواهران و برادران مجاهد دین عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جانها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق بازی به سوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است.

امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم باقی‌مانده. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص).

برادران و خواهرانم! جهان اسلام سوره تیاژمند رهبری است؛ رهبری متصل و منضوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب میدانید مثره‌ترین عالم دین که جهان را ممکن داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شاکه به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شاکه به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید! باید! به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را زبانه کنید.

خیمه، خیمه‌ی رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بپرخید. والله واللہ واللہ این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله احرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.

## خطاب به برادران و خواهران ایرانی ...

برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پر افتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، گامی که شصدها هزار جان رافضای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید.

اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته دین، فقه، عرفان، معرفت؛ حامی غریز را غریز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.

برادران و خواهران، پدران و مادران، عزیزان من!

جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود را طی میکند. بدانید مهم نیست که دشمن چه محابیه به شما دارد. دشمن به پیامبر شما چه محابیه داشت و دشمنان [چگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند] چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و شتمن آنها و فشار آنها، شمارا دچار تفرقه نکند.

بدانید که میدانید مهم‌ترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون کرک درنده‌های این کشور را می‌دید؛ آمریکا چون سگ باری، همین عمل را میکرد، اما بهر نام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد. انقلابی در انقلاب ایجاد کرد. به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپردند و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نمودند و بزرگ‌ترین قدرتهای مادی را ذلیل خود نمودند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید.

شده، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه اینها به دریای وسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند. آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ بینید، همانگونه که هستند. فرزندان را بانام آنها و تصاویر آنها آشنا کنید. به فرزندان شما که تیمان همه شما هستند، به چشم ادب و احترام بنگرید. به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید، همانگونه که از فرزندان خود با اغماض می‌گذرید. آنها را در نبود پدران، مادران، همسران و فرزندان خود توجه خاص کنید.

نیروهای مسلح خود را که امروز ولی فقیه فرمانده آنان است، برای دفاع از خودتان، مذنبتان، اسلام و کشور احترام کنید و نیروهای مسلح می‌بایست همانند دفاع از خانه‌ی خود، از ملت و نوایس و اراض آن حفاظت و حمایت و ادب و احترام کنند و نسبت به ملت همانگونه که امیرالمؤمنین مولای متقیان فرمود، نیروهای مسلح می‌بایست نشان عزت ملت باشد و قلعه و پناهنگاه مستضعفین و مردم باشد و زینت کشورش باشد.

### خطاب به مردم عزیز کرمان...

کلمه‌ای هم خطاب به مردم عزیز کرمان دارم؛ مردی که دوست داشتنی‌اند و در طول ۸ سال دفاع مقدس بالاترین فداکاری‌ها را انجام دادند و سرداران و مجاهدین سید و الامتاقی را تقدیم اسلام نمودند. من همیشه شرمزده آنها هستم.

هشت سال به خاطر اسلام به من اعتماد کردند؛ فرزندان خود را در قتل‌گاه با جنگ‌های شیدایی چون کربلای ۵، و النجف ۸، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و... روانه کردند و لشکری بزرگ و ارزشند را به نام و به عشق امام مظلوم حسین بن علی به نام ثارالله، نیاگذاری کردند. این لشکر همچون شمیری برنده، بارها قلب ملتان و مسلمانان را شاد نمود و غم را از چهره آنها زدود.

عزیزان! من بنابه تعدیر الهی امروز از میان شما رفته‌ام. من شمارا ز پدر و مادر و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم، چون باشما بیشتر از آنها بودم؛ ضمن اینکه من پاره تن آنها بودم و آنها پاره وجود من، اما آنها هم قبول کردند من وجودم را نذر وجود شما و ملت ایران کنم.

دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند. این ولایت، ولایت علی بن ابی طالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است. دور آن بگردید. با همه شما هستم. میدانید زندگی به انسانیت و عاطفه با وفطرت بیشتر از رنگ های سیاسی توجه کردم. خطاب من به همه شماست که مرا از خود میدانید، برادر خود و فرزند خود میدانید.

و صیت میکنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح میشود، اینها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.

### خطاب به خانواده شهدا...

فرزندم، دختران و پسرانم، فرزندان شهید، پدران و مادران باقیمانده از شهید، ای چرانگهی فرزندان کشورما، خواهران و برادران و همسران و فادار و متدینه شهدا! در این عالم، صوفی که روزانه من میشنیدم و مانوس با آن بودم و همچون صوت قرآن به من آراش میداد و بزرگترین پشتوانه معنوی خود میدانستم، صدای فرزندان شهید بود که بعضاً روزانه با آن مانوس بودم؛ صدای پدر و مادر شهید بود که وجود مادر و پدرم را در وجودشان احساس میکردم.

عزیزانم! تاهیکسکوتان این ملتید، قدر خودتان را بدانید. شهیدتان را در خودتان جلوه کرد کنید، به طوری که هر کس شما را می بیند، پدر شهید یا فرزند شهید را، بعینه خودشید را احساس کند، با همان معنویت، صلابت و خصوصیت.

خواهش میکنم مراحل کنید و عفو نایید. من توانستم حتی لازم را پیرامون خیلی از شماها و حتی فرزندان شهیدتان اداء کنم، هم استغفاری کنم و هم طلب عفو دارم.

دوست دارم جنازه ام را فرزندان شهید بروش گیرند، شاید به برکت اصابت دستان پاک آنها بر جسمم، خداوند مرا مورد عنایت قرار دهد.

## خطاب به سیاستوران کشور...

کلمه ای کوتاه خطاب به سیاستوران کشور دارم: چه آشنایی آید! اصلاح طلب خود را اینسانند چه آشنایی که اصولگرا. آنچه پیوسته در رخ بودم اینکه عموماً در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزشها را فراموش میکنیم، بلکه خدا میکنیم.

عزیزان، هر رقابتی با هم میکنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره یا میان سخنوی تضعیف کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما منسوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرز بارانگی کنید. اگر می خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و میان صریح حول اصول است. اصول، مطول و مفصل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است:

۱- اول آنها، اعتقاد علی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنوی، با جان و دل به توصیه و تکررات او به عنوان طیب تحقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی میخواهد مسئولیتی را احرار کند، شرط اساسی آن این است که اعتقاد تحقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه میکویم ولایت توری و نه میکویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمیکند؛ ولایت قانونی، خاص عامه مردم اعم از مسلم و غیرمسلمان است، اما ولایت علی مخصوص مسئولین است که میخواهند بار مهم کشور را بر دوش بکنند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.

۲- اعتقاد تحقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه بنمای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزشها تا مسئولیتها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام.

۳- به کارگیری افراد پاک دست و معتقد و خد متکثر را به ملت، نه افرادی که حتی اگر به منیریک دستان هم برسد خاطره می خانهای سابق را تداعی می کنند.

۴- مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات را شیوه خود قرار دهند.

۵- در دوره حکومت و حاکمیت خود هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خد متکثر واقعی، توسعه گر ارزشها باشد، نه با توجهات واهی، ارزشها را با یکوت

کند.

مسئولین همانند پدران جامعه می‌بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند، نه بانی مبالغه‌آمیز و به خاطر احساسات و جلب برخی از آراء احساسی زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده‌ها را از هم بپاشد.

حکومت مداخله اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر عامل مهم از هم پاشیدن خانواده هستند. اگر به اصول عمل شد، آن وقت همه در مسیر سب و انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و یک رقابت صحیح برپا می‌شود. همین اصول برای انتخاب اصلح صورت می‌گیرد.

### خطاب به برادران سپاهی و ارتشی...

کلامی کوتاه خطاب به برادران سپاهی عزیز و فداکار و ارتشهای سپاهی دارم:

ملاک مسئولیت‌آرایی برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید. طبیعی است به ولایت اشاره نمی‌کنم، چون ولایت در نیروهای مسلح جزء نیست، بلکه اساس بقای نیروهای مسلح است. این شرط خلل‌ناپذیر می‌باشد.

نکته دیگر، شناخت به موقع از دشمن و اهداف و سیاستهای او و اتخاذ تصمیم به موقع و عمل به موقع؛ هر یک از اینها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدی دارد.

### خطاب به علماء و مراجع معظم

سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ ساله در میدان به علمای عظیم‌الشان و مراجع کرامت‌دار که موجب روشنائی جامعه و سبب زوددن تاریکی‌ها هستند، خصوصاً مراجع عظام تقلید.

سربازان از یک برج دیده‌بانی، دید که اگر این نظام آسیب بیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن که آشاد حوزه‌ها استخوان نبرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود. این دوره‌ها با همه دوره‌ها متفاوت است. این بار اگر مستطشند، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند.

راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی‌فقیه است. نباید در حوادث، دیگران شمارا که امید اسلام هستند، ملاحظه‌بیندازند.

همه‌ی شما امام رادوست داشتید و معتقد به راه او بودید. راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولی‌فقیه است. من با عقل ناقص خود می‌دیدم برخی خناسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علماء مؤثر در جامعه را با خنثان خود و حالت حق به جانبی به سکوت و ملاحظه‌بکشاند.



حق واضح است؛ جمهوری اسلامی و ارزشها و ولایت فقیه میراث امام خمینی (ره) هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند. من حضرت آیت‌الله العظمی‌خامنه‌ای را خیلی  
مظلوم و تنهایی بینم. او نیازمند بهرایی و کمک شایسته و شامحضرات معظم بامیتان و دیدار بامیتان و حمایت بامیتان با ایشان می‌بایست جامه رحمت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید،  
حتی زنان شاه ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار بر ایجاد کفری محض و انحراف عمیق غیر قابل برگشت خواهد بود.

دست مبارکتان را ببوسم و عذرخواهی میکنم از این بیان، اما دوست داشتم در شرف یاسهای حضوری به محضرتان عرض کنم که توفیق حاصل نشد.

سربازتان و دست بوستان

از همه طلب عفو دارم

از بسایگانم و دوستانم و بھارانم طلب بخشش و عفو دارم. از رزمندگان لنگر ثارالله و نیروی با عظمت قدس که خار چشم دشمن و سد راه او است، طلب بخشش و عفو دارم؛ خصوصاً از  
کسانی که برادرانه به من کمک کردند.

نبی توانم از حسین پور جعفری نام ببرم که خیر خواهد بود برادرانه مرا مثل فرزندی کمک میکرد و مثل برادرانم دوستش داشتم. از خانواده ایشان و همه برادران رزمنده و مجاهدم که به زحمت  
انداختمشان عذرخواهی می‌کنم. البته همه برادران نیروی قدس به من محبت برادرانه داشته و کمک کردند و دوست عزیزم سردار قالی که با صبر و متانت مرا تحمل کردند.